

در سی و یکمین نشست «یک مولف، یک کتاب» از ۲ مجموعه شعر رونمایی شد



گروه فرهنگ و هنر - پنجشنبه گذشته قاعده‌ی نشست‌های «یک کتاب، یک مولف» شکست و در یک نشست ویژه که در سالن هجری رفسنجان، برگزار شد، با حضور دو مولف، در نشست سی‌ویکم، از دو کتاب شعر رونمایی شد.

مجموعه شعر: «بگذریم»؛ شعرهای محمد قلی‌نوب و مجموعه شعرهای طنز: «شاخنامه» شعرهای مسلم حسن‌شاهی راویز؛ دو کتابی بودند که در این مراسم، رونمایی شدند.

سیدعلی میرافضلی مثل نشست‌های قبلی، سنگ تمام گذاشته بود و از سعید بیابانکی و حمیدرضا شاکر سوری دو شاعر و منتقد ادبی هم جهت بررسی این دو اثر دعوت کرده بود.

رفسنجان در سال‌های اخیر در حوزه‌های فرهنگی، هنری و ادبی خوب درخشیده است. دلیل آن هرچه هست فعلا بنامند، اما قطعاً پای شرکت مس و به ویژه سیدعلی میرافضلی در میان است.

آنچه خواندید بخش‌هایی از پست اینستاگرامی محمد لطیفکار است که بلافاصله بعد از مراجعت از جلسه‌ی مذکور منتشر شد.

سردبیر استقامت در بخش دیگری از همین پست می‌نویسد: «در باره‌ی این مراسم، ما در نشریه «استقامت» طبق شیوه‌ی معمول خودمان، به‌قدر وسع خواهیم پرداخت.»

تحقق وعده‌ی سردبیر بر ذمه‌ی ما است بنابراین گزارشی از این جلسه راه‌فته‌ی آینده تقدیم می‌کنیم و عجلانما به خواندن نمونه شعرهایی از هرکدام از دو شاعر مذکور بسنده می‌کنیم.

محمد قلی‌نوب:

ما آب نداریم که بابا باشیم
دارایی ما کم است سارا باشیم
این بار اگر به کودکی برگردیم
تصمیم گرفته‌ایم کیرا باشیم!

چندی است که بیهوده خوشم با غمها
زخم است برآیم همه‌ی مرهمها
باید بروم به جای دوری از شهر
سر رفته‌ام از حوصله‌ آدمها

مسلم حسن‌شاهی راویز:

مسلم! این طبع‌روانی کار دستت می‌دهد
آخرش بلبل‌زبانی کار دستت می‌دهد
هرکجا رفتی نشستت در حضور هر کسی
شعراهایت را نخوانی، کار دستت می‌دهد
فکر می‌کردم تو داری کار دستت می‌دهی
حال می‌فهمم فلانی کار دستت می‌دهد
ای که داری مال مردم را به دامن می‌کشی!
آخر این دامن کشانی کار دستت می‌دهد
مثل بعضی‌ها هر از گاهی خیانت هم بکن
این همه خدمت‌رسانی کار دستت می‌دهد
تا توانستی تو قبلاً کار دستت داده‌ای
حال دیگر ناتوانی، کار دستت می‌دهد
با رییس این اداره بی‌جهت کل‌کل نکن
می‌برد در بایگانی کار دستت می‌دهد

خبیر

۱۷ اسفند در سراسر استان؛ طرح «کتابخانه‌گردی» برگزار می‌شود

گروه فرهنگ و هنر - مدیر کل کتابخانه‌های عمومی استان از طرح ملی «کتابخانه‌گردی» در روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه سال جاری همزمان با چهاردهمین سالروز تاسیس نهاد کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور و استان خبر داد.

محمد جواد حسین زاده، با اعلام خبر فوق در جلسه‌ی شورای اداری کتابخانه‌های عمومی استان، این اقدام را فرصت مناسبی برای آشنایی با ظرفیت‌های کتابخانه‌های عمومی دانست و گفت: طرح کتابخانه‌گردی امسال برای اولین بار در روز پنجشنبه ۱۷ اسفندماه، مصادف با شب میلاد حضرت فاطمه زهرا(س) در سراسر استان برگزار خواهد شد و از سوی دیگر فرصت خوبی خواهد بود تا گروه‌های مربع و خاص شامل روحانیون، اساتید، هنرمندان، ورزشکاران و نخبگان در کتابخانه‌ها حضور پیدا کنند و با تشویق و ترغیب قشرهای مختلف مردم، به خصوص کودکان و نوجوانان، به تقویت فرهنگ مراجعه به کتابخانه، مطالعه در کتابخانه، امانت گرفتن کتاب و همینطور بهره‌مندی از خدمات اجتماعی کتابخانه‌ها در استان کمک نمایند. همچنین امکان عضویت رایگان از عموم بازدیدکنندگان در تاریخ مذکور در کتابخانه‌های عمومی منتخب این طرح پیش بینی گردیده است.

گروه فرهنگ و هنر - خیابان بابل که عنوان دقیق‌ترش سه‌گانه پارسی با نگاهی به خیابان بابل است. نمایشنامه‌ی به قلم ایوب آقاخانی است که در فضای اجتماعی معاصر می‌گذرد و اتفاقات آن در یک نیمه شب یخ‌زده رخ می‌دهد و برخورد زندانه دو نفر با موقعیتی است که در آن قرار گرفته‌اند و همین امر پیچیدگی‌هایی را در داستان رقم می‌زند. این نمایشنامه را محمد رضا قدس‌ولی کارگردانی کرده و از سوم تا هفدهم اسفند ماه جاری در کرمان اجرا می‌کند. هادی ملکی و مجتبی کیمیایی نیز بازیگرانی هستند که اجرا را بر عهده دارند.

رانه‌ی مرگ لاکان را مد نظر دارم

محمد رضا قدس‌ولی یکی از کارگردان‌های باسابقه‌ی تئاتر کرمان است که همواره بر ضرورت یک اجرا تاکید داشته به همین دلیل از او می‌پرسیم: «توضیحات برای ضرورت اجرای نمایش اخیرتان چیست؟»

کارگردان سه‌گانه پارسی با نگاهی به خیابان بابل به استقامت می‌گوید: «ضرورت در وهله‌ی اول و در تعبیر کلی درک زمان و مکان است که در خلق اثر هنری از مهمترین فاکتورهاست و در خصوص انتخاب نمایش سه‌گانه‌ی

پارسی نیز به این اصل دقت شده است.» او ادامه می‌دهد: «اما مسئله اینجاست که در واقعیت نگرش و دیدگاه هنرمندان با هم تفاوت دارد و هرکدام‌شان نیازها را بر اساس نگرش خود ارزیابی خواهند کرد. مسئله‌ی دوم این است که گاهی هنرمند با جامعه‌ی کوچکی تبادل دانایی می‌کند، در حالیکه جامعه گسترده‌تر است.

هنرمند گاهی با اقلیمی کوچک، گاهی با ملتی بزرگ، گاهی با جامعه‌ی مذهبی و گاهی با جامعه‌ی بشری مواجهه دارد. یعنی می‌خواهم بگویم همه‌ی این عوامل در توضیح ضرورتی که از آن یاد می‌کنید، موثر است.

من از منظر خود برای انتخاب این نمایشنامه، تئوری رانه‌ی مرگ لاکان را مد نظر دارم و در زمینه‌ی اجرا نیز، به نظریه‌ی انتقال بحران هوسرل گوشه چشمی داشته‌ام.» قدس ولی اظهار می‌دارد: «در این اجرا ما گستره‌ی دید خود را وسیع‌تر گرفتیم و به ضرورت‌های جامعه‌ی بشری چشم داریم و فکر می‌کنیم جامعه‌ی ما به طور قطع بخشی از جامعه‌ی بشری است.»

دست‌به‌قلم‌ها دوست دارند آثارشان

پارسی نیز به این اصل دقت شده است.» او ادامه می‌دهد: «اما مسئله اینجاست که در واقعیت نگرش و دیدگاه هنرمندان با هم تفاوت دارد و هرکدام‌شان نیازها را بر اساس نگرش خود ارزیابی خواهند کرد. مسئله‌ی دوم این است که گاهی هنرمند با جامعه‌ی کوچکی تبادل دانایی می‌کند، در حالیکه جامعه گسترده‌تر است.

کارگردان «سه‌گانه پارسی با نگاهی به خیابان بابل» مطرح کرد

در نمایشنامه‌نویسی فقیریم



مانند: «فریدون»، «امشب تئاتر تعطیل است» و «مجموعه سه اپیزودی دیولاخ» را در کارنامه خود دارد. در اجرای اخیرش متنی از

را خودشان اجرا کنند این کارگردان کرمانی که در حوزه‌ی نمایشنامه‌نویسی نیز سوابق متعددی دارد و نمایشنامه‌هایی

ایوب آقاخانی را انتخاب کرده که در واقع یکی از نمایشنامه‌نویسان حرفه‌ای کشور به شمار می‌رود. طبیعی است که مخاطب او کنجکاو می‌شود تا از او بپرسد: چرا متنی را از یک نویسنده‌ی مشهور انتخاب کردید و از نوشته‌های خود یا دیگر نویسندگان محلی استفاده نکردید؟

۳ اجرای همزمان تماشاجی را سردرگم می‌کند

سه‌گانه پارسی با نگاهی به خیابان بابل یک پرسش دیگر را هم در ذهن مخاطبان خود درانداخته بود و آن اینکه در اولین خبری که برای این تئاتر اعلام شد، محل اجرا، پلاتوی «یادگاران صنعتی» اعلام شده بود، اما در خبر اصلاحی محل اجرا به سالن استاد کهن تغییر کرد و توضیح همین نکته است که ابتدا تصمیم به اجرا در مجموعه‌ی یادگاران صنعتی داشتیم اما بتوجه

مانند: «فریدون»، «امشب تئاتر تعطیل است» و «مجموعه سه اپیزودی دیولاخ» را در کارنامه خود دارد. در اجرای اخیرش متنی از

گفت‌وگو با مهدی محمدیان، نقاش و عضو هیات علمی دانشکده هنر صبا کرمان

آبرنگ در نقاشی مانند شعر در ادبیات است

هنرمند را به شکل ابزار می‌بینند

داشته است. این همان چیزی بود که من در نظر داشتم به مخاطب منتقل کنم؛ و خوشبختانه این اتفاق افتاد.

من اولین بار است که در کرمان نمایشگاه آبرنگی به این گستردگی می‌گذارم. دوست داشتم همکاران و دوستان از کارها دیدن کنند و آنها را نقد کنند؛ در واقع یکی از اهداف نمایشگاه که می‌توانیم از آن بهره ببریم همین است و این بر رشد هنرمند تاثیر می‌گذارد.

چرا معماری و طبیعت را کنار هم گذاشتید؟

می‌خواستم ببینم مخاطبم به چه چیزی گرایش دارد، چون من برای مخاطب کار می‌کنم و برایم دیدگاه و فرهنگ مردمی که به کار من نگاه می‌کنند، مهم است. می‌خواهم ببینم آن چیزی که مردم به آن اقبال نشان می‌دهند کدام یک است. چون در نمایشگاه‌های اول، شما نمی‌توانید یک موضوع مشخص ببینید و آنچه من در این نمایشگاه مشاهده کردم گرایش مخاطبان به سمت منظره و طبیعت بود.

سبک و شیوه‌ی کاری شما در نقاشی بیشتر کدام است؟

کسانی که مثل من در دانشگاه تدریس می‌کنند در واقع باید همه‌ی شیوه‌ها را دنبال کنند، البته من به خودم بیشتر آبرنگ کار می‌کنم ولی در جشنواره بین المللی، کار رنگ و روغن هم داشتم. هنرمندی در سطح دانشگاه باید با تمام تکنیک‌ها آشنایی داشته باشد که اگر دانشجویی خواست در فضایی قرار بگیرد بتواند او را راهنمایی کند. من هم به همین علت در تمام رشته‌ها کار کردم و حتی فراتر از آن در کار دکور و ماکت هم به طور حرفه‌ای فعالیت کردم. ضمن این‌که وقتی شما در یک سری موضوعات و رشته‌های دیگر تسلط داشته باشید در خلاقیت شما تاثیر می‌گذارد. مثل پیکاسو که در تمام زائرها کار کرده است ولی بیشتر به عنوان یک نقاش کوبیسم مطرح است.

فضای کرمان را در حوزه هنرهای تجسمی به خصوص نقاشی چگونه می‌بینید؟

من معتقدم مردم همیشه چندین قدم از مسوولین جلوتر هستند. این گالری یک فضای خصوصی است، یک خنمی مکانی با هزینه‌های زیاد در فضای گالری اختصاص داده در صورتی که اگر آن را کرایه می‌داد، درآمدش بیشتر بود.

را نشان می‌دهید، می‌توانید تجربه‌ی چند ساله‌تان را در معرض دید دانشجویان و دوستان و مخاطبان قرار دهید.

آن‌جا دیگر خودتان هستید. برای همین در این نمایشگاه ۱۵ تا ۱۶ کار جدید که امسال کار کردم و یک تعداد کار قدیمی‌تر از خودم را به نمایش گذاشتم.

در آثار نمایشگاه، فضای معماری بناها و طبیعت کرمان به چشم می‌خورد؛ چه شد که این سوزده‌ها را انتخاب کردید؟

فضای کرمان برایم همیشه جذاب بوده است؛ هر هنرمندی باید هویت و فرهنگ منطقه‌اش مد نظرش باشد، من اگر مثل اروپایی‌ها کار کنم، کارم خیلی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و تبادل فرهنگی اتفاق نمی‌افتد.

ولی اگر با تکنیک نقاشی به سراغ شاه نعمت‌الله و بازار بروم؛ به نوعی هویت بخشیدن به فضاهایی است که از گذشته برای ما باقی مانده است.

چه شد که به سمت نقاشی رفتید، و شروع کارتان به چه شکل بود؟

من به کار هنری خیلی علاقه‌مند بودم، به طور اتفاقی وارد هنرستان شدم و شاگرد اول هنرستان در دوره‌ی خودم شدم.

در آن زمان استقبال از کار هنری به شکل امروز نبود و فضاهایی که الان وجود دارد را هم نداشتیم. دو گالری نقاشی آن هم در تهران بود، اما در دیگر شهرها چنین مکان‌هایی نبود.

هنرمند را با این دید که امروز می‌بینند، نگاه نمی‌کردند. یادم هست مادرم وقتی به دیگران می‌گفت بچه‌ی من کار هنری و نقاشی می‌کند، آنها فکر می‌کردند نقاشی دیواری کار می‌کنم و حتی می‌گفتند بیا خانه ما را هم رنگ کن!

از نمایشگاه‌تان بگویید؛ چه شد که تصمیم به برپایی نمایشگاه گرفتید؟

یکی از فعالیت‌های حرفه‌ای یک هنرمند یا استاد دانشگاه آرایه‌ی توان‌مندی و اثری است که مال خودش باشد. چون زمانی که شما در فضای آموزش قرار می‌گیرید باید با دانشجو هم‌سطح شوید تا بتوانید چیزی را منتقل کنید پس نمی‌توانید توانایی خودتان را بروز دهید؛ ولی در نمایشگاه چون کار و تکنیک خودتان

یک نفر که رشته‌اش مهندسی معدن بود وقتی در نمایشگاه از کارهای من دیدن کرد، می‌گفت که نقاشی‌ها برایش تداعی کننده‌ی یک نوع موسیقی بوده و برای او ریتم



اما خروجی دانشگاه در فضای هنری کرمان نمود ندارد، به نظر شما چرا اینطور است؟

یکی از دلایلش نوع سیاسی است که آموزش عالی برپا کرده است. ریس جمهور همین چند وقت پیش در دانشگاه گفت: دانشجو باید جویری تعلیم ببیند که اثر تولید کند و در فضای اقتصاد هنر، کارش را آرایه دهد.

این آدم با آن همه توانایی تازه وقتی که از دنیا می‌رود تابلوهایش را در موزه می‌گذارند، این چه نوع برخورد با یک هنرمند است؟

بد نیست بداندید برای همین نمایشگاه فعلی آمده‌اند و با من مصاحبه کرده‌اند؛ اما در نهایت در تلویزیون کرمان مصاحبه بخش نشده است، می‌دانید چرا؟ به این دلیل که گفته‌اند: برای گالری تبلیغ می‌شود!

اصلا حرف شما درست؛ برای گالری تبلیغ می‌شود، خوب این چه منفعتی برای گالری دارد؟ فروشش دو برابر می‌شود؛ مگر اتفاقی غیر از این می‌افتد که مردم بی‌به وجود یک گالری می‌برند و در صورت بازدید از برنامه‌های مختلف آن، لذت روحی و بصری می‌برند و این باعث اعتلای فرهنگ می‌شود؟

این کار در صدا و سیما تهران انجام می‌شود؛ شبکه رسمی جمهوری اسلامی برنامه‌های ۴۰ دقیقه به نام «هنرنامه» دارد که به تمام گالری‌ها می‌رود و آثار هنرمندان را معرفی

و نقد و بررسی می‌کند؛ آیا این کار تبلیغ است؟ باتلاش برای اعتلای فرهنگ باید آثار هنری؟

کرمان سالانه دانشجویان زیادی در رشته‌های مختلف هنری از چند دانشگاه و موسسه آموزش عالی، فارغ التحصیل می‌شوند،

اما کارمان خلاق اثر است. دانشجو وقتی می‌بیند به استادش اهمیتی نمی‌دهند، بی‌انگیزه می‌شود چون استاد خود را نگاه می‌کند و از همه چیز مربوط به او الگو و تاثیر می‌گیرد. متأسفانه الان بیشتر دانشجویان حالت خودمندی پیدا کردند. تا این دیدگاه وجود دارد همین است. من از سال ۹۱ در کرمان هستم، در تمام این سال‌ها دریغ از اینکه یک بار ما را برای مشورت بخواهند؛ فقط وقتی به ما نیاز دارند دعوت‌نامه می‌کنند. متأسفانه به هنرمند به شکل ابزار نگاه می‌کنند و او را به شکل ابزار می‌بینند.